

پا را اندازه گلیم خود دراز کن

روزی پادشاهی لباس معمولی بر تن کرد و سوار بر اسب شد و همراه وزیرش به داخل شهر رفت. در بین راه مردی را دید که زیر سایه درختی روی گلیمی دراز کشیده است و چنان خود را مچاله کرده که حتی نوک انگشتش از گلیم بیرون نبود.

پادشاه دستور داد کیسه‌ای سکه‌ی طلا به او بدهند. خبر به گوش دوستان آن مرد رسید. یکی از آن‌ها که طمع بسیار داشت گلیمی را برداشت و در مسیر برگشت پادشاه پهن کرد و روی آن دراز کشید. وقتی پادشاه از آن جا می‌گذشت، آن مرد روی گلیم دراز کشیده بود و دست و پاهایش را از دو طرف دراز کرده بود و نیمی از بدنش روی گلیم و بقیه روی زمین بود. پادشاه با دیدن این صحنه اخم کرد و حتی یک سکه‌ی طلا هم به مرد نداد.

وزیر از او پرسید: «چگونه به شخصی که روی گلیم خوابیده بود کیسه زر دادید و از این شخص ناراحت شدید؟»

پادشاه گفت: «آن مرد پایش را به اندازه گلیمش دراز کرده بود اما این یکی پایش را از گلیمش دراز کرده است.»

شاید شما هم ضرب‌المثل پایت را به اندازه‌ی گلیمت دراز کن را شنیده باشید. می‌دانید این ضرب‌المثل چه مواقعی به کار می‌رود؟

افسانه مه‌دیان فر

طاهره اکرمی

